

Jurisprudence of Obligations and the Rule of al-Za‘īm Ghārim: A Study on the Relationship between Sharī‘a Suretyship (Ḍamān) and Civil Liability in Contemporary Legal Structures

Mehdi Shoushtari / Associate Professor of Jurisprudence (Fiqh) and Foundations of Law,
Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom mahdishoshtari@chmail.ir

 **Amin Najafian** / Assistant Professor of Jurisprudence (Fiqh) and Foundations of Law,
Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom a.najafian@chmail.ir

Received: 2026/05/10 - **Accepted:** 2026/06/14

Abstract

The rule of "al-Za‘īm Ghārim" (The guarantor is liable) is one of the fundamental principles of Islamic jurisprudence (Fiqh) that emphasizes the guarantor's obligation to fulfill the guaranteed obligations and plays a significant role in explaining religious (Sharī‘ī) and legal responsibilities. With the expansion of organizational obligations and contemporary legal institutions, the necessity of re-reading and adapting this rule to new legal systems is increasingly felt. This research, employing a descriptive-analytical method and library studies, examines the Quranic and narrational (ḥadīth) evidence of the rule of al-Za‘īm Ghārim. It further investigates the position of this rule in interpreting organizational obligations and institutional legal relations by utilizing the views of Imāmīyyah jurists and making a comparative analysis with Sunni jurisprudence (Fiqh ‘Ammah) and comparative law. The results indicate that this rule can provide an efficient theoretical framework for analyzing modern obligations such as bank guarantees, liability insurance, and organizational contracts. Additionally, its adaptation to other legal systems demonstrates the rule's capacity for accommodation and localization within contemporary law.

Keywords: Rule of al-Za‘īm Ghārim, Sharī‘a Suretyship, Organizational Obligations, Civil Liability, Imāmīyyah Jurisprudence, (Fiqh ‘Ammah), Islamic Law.

نوع مقاله: پژوهشی

فقه تعهدات و قاعده الزعیم غارم: مطالعه‌ای در نسبت ضمان شرعی و مسئولیت مدنی در ساختارهای حقوقی معاصر

mahdishoshtari@chmail.ir

a. najafian@chmail.ir

مهدی شوشتری / دانشیار فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم

امین نجفیان  / استادیار فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

چکیده

قاعده «الزعیم غارم» یکی از اصول اساسی فقه اسلامی است که التزام ضامن به ایفای تعهدات مضمون‌عنه را مورد تأکید قرار می‌دهد و نقش مهمی در تبیین مسئولیت‌های شرعی و حقوقی ایفا می‌کند. با گسترش تعهدات سازمانی و نهادهای حقوقی معاصر، ضرورت بازخوانی و تطبیق این قاعده با نظام‌های حقوقی جدید بیش از پیش احساس می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای، مستندات قرآنی و روایی قاعده الزعیم غارم را واکاوی کرده و با استفاده از دیدگاه فقه‌های امامیه و مقایسه تطبیقی با فقه عامه و حقوق تطبیقی، جایگاه این قاعده در تفسیر تعهدات سازمانی و روابط حقوقی نهادی را بررسی نموده است. نتایج حاکی از آن است که این قاعده می‌تواند چارچوب نظری کارآمدی برای تحلیل تعهدات مدرن همچون ضمانت‌نامه‌های بانکی، بیمه مسئولیت و قراردادهای سازمانی فراهم آورد. همچنین تطبیق آن با نظام‌های حقوقی دیگر نشان‌دهنده ظرفیت انطباق و بومی‌سازی قاعده با حقوق معاصر است.

کلیدواژه‌ها: قاعده الزعیم غارم، ضمان شرعی، تعهدات سازمانی، مسئولیت مدنی، فقه امامیه، فقه عامه، حقوق اسلامی.

مقدمه

قاعده «الزعییم غارم» یکی از قواعد اصولی و اساسی فقه اسلامی است که به‌عنوان یکی از مبانی مهم در تبیین ضمان و تعهدات شرعی، جایگاه برجسته‌ای دارد. این قاعده بیان می‌دارد هر شخصی که ضمان و تعهدی را به عهده گیرد، در صورت عدم انجام تعهد توسط متعهد اصلی، مسئولیت پرداخت دین یا انجام تعهد را بر عهده خواهد داشت (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰). این اصل فقهی نه‌تنها در روابط فردی، بلکه در تنظیم تعهدات سازمانی و نهادی نیز کاربردهای فراوان دارد. به‌عبارت‌دیگر، قاعده الزعیم غارم، چارچوبی نظری و عملی برای تضمین اجرای تعهدات در نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه فراهم می‌آورد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۸).

با ورود به عصر نوین و گسترش نهادهای حقوقی و سازمانی، تعهدات صرفاً محدود به افراد حقیقی نیست و نهادها، شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز به‌عنوان اشخاص حقوقی، تعهدات پیچیده و گسترده‌ای را بر عهده دارند. این تعهدات نیازمند مبانی فقهی و حقوقی قوی برای تبیین ضمانت‌های اجرایی و مسئولیت‌های حقوقی هستند. ضمانت‌نامه‌های بانکی، قراردادهای پیمانکاری، بیمه مسئولیت و تعهدات نهادهای عمومی از جمله مواردی هستند که جای خالی تحلیل فقهی دقیق قاعده الزعیم غارم در آنها احساس می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

از سوی دیگر، در نظام حقوقی ایران که بخش بزرگی از آن متأثر از فقه امامیه است، عدم شناخت دقیق و به‌کارگیری بهینه این قاعده منجر به ابهامات و مشکلات در حوزه تعهدات سازمانی شده است. بسیاری از نهادها با مواجهه با تعهدات پیچیده، فاقد چارچوب نظری مناسب جهت تبیین مسئولیت‌ها و ضمانت‌های خود می‌باشند. این خلأ، ضرورت انجام پژوهش‌های تطبیقی و تحلیلی در زمینه قواعد فقهی تعهدات و تطبیق آنها با واقعیت‌های حقوقی روز را دوچندان می‌سازد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳).

بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که قاعده الزعیم غارم چگونه می‌تواند با اصول حقوقی معاصر و نظام‌های حقوقی تطبیق شود؟

فرضیه پژوهش بر این است که قاعده الزعیم غارم با پشتوانه قرآنی، روایی و عقلایی، می‌تواند چارچوب نظری جامعی برای تبیین ضمانت‌ها و مسئولیت‌های تعهدی در سطح سازمانی و نهادی ارائه دهد و این چارچوب با استفاده از تطبیق‌های حقوق تطبیقی، قابلیت کاربرد و بومی‌سازی در نظام حقوقی ایران را داراست.

ضرورت انجام این پژوهش در آن است که با توسعه فقه کاربردی و فقه تطبیقی، قواعد سنتی فقهی را می‌توان به‌عنوان مبانی مستحکم حقوقی در مواجهه با چالش‌های حقوقی نوین به‌کار گرفت و از این طریق، هم غنای علمی فقه را حفظ کرد و هم از لحاظ کاربردی نظام حقوقی کشور را تقویت نمود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۳۴۸).

۱. مبانی نظری و مفاهیم کلیدی

۱-۱. مفهوم «زعیم»

واژه «زعیم» در لغت به معنای «کفیل»، «ضامن» و «متعهد» آمده است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۲۷۹۴) و در متون کلاسیک عربی به کسی گفته می‌شود که التزام عملی به انجام تعهد یا دین دیگران را به عهده می‌گیرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶). این اصطلاح در ادبیات فقهی امامیه نیز همان مفهوم را دارد و به شخصی اطلاق می‌شود که به‌عنوان ضامن یا کفیل، مسئولیت پرداخت دین یا انجام تعهد را بر عهده دارد. از منظر فقهی، زعیم نه‌تنها در تعهدات مالی، بلکه در تعهدات نفسانی و کفالت نیز کاربرد دارد و نشان‌دهنده التزام عملی شخص نسبت به تعهد دیگری است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰).

قاعده «الزعیم غارم» بر این مبنا استوار است که زعیم موظف است در صورت تخلف متعهد اصلی، دین یا تعهد را ادا نماید و این التزام یک اصل فقهی مستدل با پشتوانه آیات قرآن و روایات معتبر است. از این رو در نظام حقوقی مبتنی بر فقه امامیه، زعیم به‌مثابه ضامنی عمل می‌کند که مسئولیت حقوقی و شرعی تضمین تعهدات را بر عهده دارد. این مفهوم در تعهدات فردی و سازمانی قابل توسعه است و به‌عنوان پایه‌ای برای تحلیل مسئولیت‌ها در فقه تعهدات شناخته می‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۸).

۱-۲. مفهوم «غارم»

لغت «غارم» در ادبیات عرب به معنای «مدیون» یا «کسی که به خاطر دین در تنگنا قرار گرفته» به کار می‌رود. در قرآن کریم، واژه «الغارم» برای اشاره به افراد بدهکاری به کار رفته است که در فقر و سختی به سر می‌برند (توبه: ۶۰ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۹۵). در فقه اسلامی، غارم کسی است که بر اساس قرارداد یا الزام عرفی متعهد به پرداخت دین یا جبران خسارت شده است.

در ادبیات فقهی امامیه، غارم معمولاً به کسی گفته می‌شود که دین یا تعهدی بر دمه دارد و ممکن است موجب ضمانت دیگران شود. مفهوم غارم به‌عنوان مضمون عنه، یعنی شخصی که موضوع تعهد و ضمانت است، اهمیت ویژه‌ای در تحلیل قاعده الزعیم غارم دارد. علاوه بر این، از منظر حقوقی و اجتماعی، توجه به وضعیت غارم و حقوق او در نظام ضمان و تعهدات، یکی از اصول مهم عدالت اسلامی و فقهی محسوب می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۳۶).

۱-۳. مفهوم «ضمان»

ضمان در فقه امامیه به معنای تعهدی است که شخص ثالثی (ضامن یا زعیم) در قبال دین یا تعهد دیگری بر عهده می‌گیرد. این تعهد می‌تواند بر اساس قرارداد، عهد، یا حتی به‌صورت تبرعی باشد؛ به‌گونه‌ای که ضامن

مسئولیت ایفای دین یا تعهد را در صورت تخلف متعهد اصلی بر عهده دارد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰). ضمان از جمله عقود تبادلی محسوب می‌شود که در آن شخصی بدون آنکه مالک دین باشد، خود را متعهد می‌سازد تا در صورت تخلف دیگری، تعهد او را انجام دهد (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۹۵). این مفهوم از ارکان اصلی حقوق تعهدات و مسئولیت در فقه و حقوق مدرن است و پایه و اساس بسیاری از قراردادهای ضمانت‌نامه‌ای و تعهدی را تشکیل می‌دهد.

از منظر فقهی، ضمان شامل دو دسته اصلی است: ضمان عقدی که ناشی از قرارداد بین طرفین است و ضمان قهری که ناشی از قانون و بدون قرارداد است. در هر دو مورد، ضامن مسئول پرداخت یا انجام تعهد است. فقهای امامیه تأکید کرده‌اند که ضمان یک التزام شرعی و قانونی است که خروج از آن جز از طریق ادای دین یا رضایت مضمون‌له امکان‌پذیر نیست (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸). همچنین ضمان نقش اساسی در تحقق عدالت و حفظ حقوق افراد دارد و به‌عنوان وسیله‌ای برای تضمین اجرای تعهدات به‌کار گرفته می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۳).

۱-۴. مفهوم «کفالت»

کفالت در فقه و حقوق به معنای تعهد شخص ثالث برای انجام عملی توسط دیگری است. به عبارت دیگر، کفیل متعهد می‌شود که شخص ثالث (مکفول) را به ذی‌نفع (مکفول‌له) تحویل دهد یا در صورت تخلف مکفول، خود مسئولیت انجام تعهد را بر عهده گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹). این تعهد ممکن است مربوط به تعهدات مالی یا غیرمالی باشد و به‌عنوان ضمانت اجرایی تعهدات، در روابط قراردادی کاربرد دارد.

ماده ۷۳۴ قانون مدنی ایران نیز کفالت را عقدی می‌داند که طی آن شخصی تعهد احضار شخص ثالث را به طرف دیگر می‌دهد. این عقد ضمن آنکه موجب التزام شرعی کفیل می‌شود، زمینه‌ساز تحقق ضمانت اجرایی در روابط حقوقی است. از منظر فقهی، کفالت به‌عنوان نوعی ضمان، نقش مهمی در تأمین اجرای تعهدات و حفظ حقوق ذی‌نفعان ایفا می‌کند. این نهاد حقوقی در بسیاری از قراردادهای تجاری، بانکی و بیمه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحلیل آن در پرتو قاعده الزعیم غارم، ابعاد جدیدی از مسئولیت و تعهد را روشن می‌سازد (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۶).

۱-۵. مفهوم «تعهد»

تعهد در فقه امامیه به معنای الزام عملی یا مالی است که شخص به انجام یا ترک فعلی مقید می‌شود. این الزام ممکن است ناشی از قرارداد، عهد، قانون یا حتی التزام شرعی باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸). تعهد ناظر به الزام قانونی یا شرعی بر انجام کاری است که طرف مقابل آن را مطالبه می‌کند و در صورت تخلف، موجب

مسئولیت مدنی و ضمانت اجرایی خواهد شد. از این رو تعهد در فقه نه تنها یک مسئله حقوقی، بلکه یک تکلیف شرعی است که رعایت آن به حفظ نظم و عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

در حقوق مدرن نیز تعهد مفهومی کلیدی است که در قراردادهای و مسئولیت‌های مدنی به کار می‌رود. ماده ۲۲۱ قانون مدنی ایران، تعهد را به معنای الزام قانونی به انجام یا ترک فعلی تعریف می‌کند. در فقه، تعهدات به دو دسته تعهدات مالی و غیرمالی تقسیم می‌شوند که هر دو تحت پوشش قواعد ضمان و کفالت قرار می‌گیرند. قاعده الزعیم غارم این تعهدات را به صورت تضمینی قوی به مسئولیت ضامن متصل می‌کند و بدین وسیله تبیین کننده ضمانت اجرای تعهدات است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰).

۱-۶. مفهوم «مسئولیت»

مسئولیت در متون فقهی به معنای التزام به جبران خسارت یا اجرای تعهد است و ممکن است عقدی یا قهری باشد. فقه امامیه، مسئولیت را ناشی از قواعدی چون «لاضرر»، «من اتلف مال الغير» و «الزعیم غارم» می‌داند که دامنه وسیعی از التزامات حقوقی و شرعی را دربر می‌گیرند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳). مسئولیت در فقه علاوه بر جنبه حقوقی، جنبه اخلاقی و اجتماعی نیز دارد و نشان دهنده تعهد شخص نسبت به حفظ حقوق دیگران و جلوگیری از ضرر است.

در نظام حقوقی معاصر، مسئولیت مدنی به معنای التزام جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل زیان آور تعریف می‌شود. قواعد فقهی از جمله قاعده الزعیم غارم به عنوان پایه‌های نظری مسئولیت مدنی، نقش مهمی در تدوین قوانین و تنظیم روابط حقوقی بازی می‌کنند. این قواعد علاوه بر تضمین حقوق افراد، موجب استقرار عدالت و نظم اجتماعی می‌گردند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها درباره قاعده «الزعیم غارم» و مباحث ضمان و تعهد در فقه امامیه از دیرباز مورد توجه فقهای برجسته و حقوق دانان بوده است. یکی از نخستین و جامع‌ترین آثار در این زمینه، کتاب قواعد فقه اثر محقق داماد است که در آن قاعده الزعیم غارم به تفصیل بررسی شده است. محقق داماد این قاعده را به عنوان یک اصل مسلم و کلیدی در تضمین تعهدات و ضمانت اجرایی آنها می‌شناسد و با استفاده از آیات قرآن و احادیث معتبر، مسئولیت ضامن را به وضوح بیان می‌کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰). این اثر به عنوان منبعی معتبر در حوزه فقه تعهدات در حقوق ایران بسیار مورد استناد قرار گرفته است.

کتاب القواعد الفقهیه نوشته سیدحسن بجنوردی نیز، یکی دیگر از منابع اصلی و معتبر در تبیین این قاعده است. بجنوردی قاعده الزعیم غارم را با تحلیل مبانی فقهی و کاربردهای آن در ضمانت‌های مالی و کفالت مورد

بررسی قرار داده و نقش آن را در نظم حقوقی و اجتماعی تأکید کرده است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸). این کتاب ضمن تبیین قاعده، به چالش‌های فقهی و تطبیقی آن با مسائل معاصر نیز اشاره می‌کند که برای توسعه فقه تعهدات بسیار ارزشمند است.

العروة الوثقی اثر محمدکاظم طباطبایی یزدی، از دیگر منابع کلیدی فقه امامیه به‌شمار می‌رود که قواعد ضمان و کفالت را به دقت بررسی کرده است. طباطبایی در این کتاب قاعده الزعیم غارم را یکی از ارکان اصلی ضمان و تعهد می‌داند و آن را در زمینه تعهدات سازمانی و قراردادهای پیچیده مورد تحلیل قرار داده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹). این اثر در فضای فقه حکومتی ایران نقش مهمی در تقویت مبانی نظری تعهدات حقوقی دارد.

آثار محمدحسن نجفی نیز در تبیین قاعده الزعیم غارم اهمیت زیادی دارند. در کتاب *جواهر الکلام*، نجفی با تحلیل عمیق احادیث و آرای فقها به شرح ضمان، مسئولیت و کفالت پرداخته و قاعده الزعیم غارم را مبنای محکمی برای تعهدات و ضمانت‌های حقوقی معرفی کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳). وی همچنین درباره شرایط و حدود حق رجوع ضامن در انواع ضمان بحث کرده و از زوایای مختلف به این موضوع نگریسته است.

در دوره معاصر، سیدعبدالأعلی سبزواری در کتاب *مَهْدَبُ الْأَحْکَامِ* به‌عنوان یکی از مراجع مهم فقهی، ضمن پرداختن به مباحث ضمان عقدی و قهری، نقش قاعده الزعیم غارم را در تضمین اجرای تعهدات سازمانی و نهادهای حقوقی برجسته ساخته است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۳۴۸). این اثر نقش بسزایی در گسترش فقه تطبیقی و تحلیل کاربردی قواعد فقهی در مسائل حقوقی جدید دارد.

علاوه بر آثار فقهی، پژوهشگران معاصر حقوق ایران نیز با رویکردی تحلیلی - تطبیقی به قاعده الزعیم غارم پرداخته‌اند. آنها با بررسی مواد مرتبط قانون مدنی و تجارت، به تبیین چگونگی استفاده از این قاعده در تعهدات سازمانی، ضمانت‌نامه‌های بانکی و بیمه مسئولیت اقدام کرده‌اند. این مطالعات ضمن حفظ اصالت فقهی، چارچوبی کاربردی برای به‌کارگیری قاعده در حقوق معاصر ارائه داده‌اند که پاسخ‌گوی نیازهای نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۶).

با توجه به مرور پیشینه در حوزه قاعده الزعیم غارم و مباحث ضمان و تعهد در فقه امامیه، پژوهش‌های متعددی به تحلیل مفاهیم و کاربردهای این قاعده پرداخته‌اند و پایه‌های نظری آن را مستحکم کرده‌اند، اما پژوهش پیش روی ما در چند محور اصلی نسبت به آثار پیشین دارای وجه تمایز و نوآوری است:

الف) بیشتر تحقیقات پیشین بر تحلیل کلی قاعده الزعیم غارم و مستندات فقهی آن متمرکز بوده‌اند و کمتر به‌صورت خاص به تبیین نقش این قاعده در تعهدات سازمانی و نهادی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که در شرایط کنونی، گستره تعهدات فراتر از روابط فردی رفته و پیچیدگی‌های حقوقی نهادهای عمومی، شرکت‌ها و بانک‌ها ضرورت تحلیل دقیق قاعده در این حوزه‌ها را مطرح می‌کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر تعهدات سازمانی، زمینه نظری و عملی جدیدی برای کاربرد قاعده الزعیم غارم فراهم می‌آورد؛

ب) این پژوهش با رویکرد تطبیقی، قاعده الزعیم غارم را در کنار نظام‌های حقوقی دیگر مانند فقه عامه، حقوق فرانسه و کامن‌لا تحلیل می‌کند. این رویکرد تطبیقی نه تنها در پیشینه داخلی کمتر مشاهده شده است، بلکه باعث ارتقای فهم قابلیت‌های تطبیقی و بومی‌سازی قاعده در نظام حقوقی معاصر می‌گردد. چنین تحلیل تطبیقی به غنای علمی پژوهش می‌افزاید و زمینه نوآوری در فقه کاربردی را فراهم می‌سازد؛

ج) پژوهش حاضر ضمن حفظ اصالت فقهی، بر جنبه‌های کاربردی و اجرایی قاعده الزعیم غارم تأکید دارد و به چالش‌ها و موانع عملی در به کارگیری این قاعده در تعهدات سازمانی می‌پردازد. این موضوع در پیشینه داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته و به ویژه در راستای ارائه راهکارهای فقهی - حقوقی برای حل مشکلات اجرایی در نظام حقوقی ایران، نوآوری قابل توجهی محسوب می‌شود.

در نهایت، این پژوهش با تأکید بر نقش قاعده الزعیم غارم به عنوان ابزاری کلیدی در تنظیم و تفسیر تعهدات سازمانی، می‌تواند به توسعه فقه کاربردی و بهبود نظام حقوق تعهدات در جمهوری اسلامی ایران کمک شایانی نماید.

۲. تحلیل فقهی قاعده الزعیم غارم

۲-۱. جایگاه قاعده الزعیم غارم در فقه امامیه

قاعده «الزعیم غارم» از جمله قواعد مهم اصول فقه امامیه است که بر اساس آن، هر شخصی که تعهدی را بر عهده گرفته و به عنوان ضامن (زعیم) شناخته شود، در صورت عدم ایفای تعهد توسط متعهد اصلی (غارم)، مسئولیت اجرای تعهد به عهده او خواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰). این قاعده، نه تنها تضمین کننده اجرای تعهدات مالی است، بلکه در تعهدات نفسانی و شخصی نیز کاربرد دارد و نشان دهنده التزام عملی زعیم است. فقهای امامیه این قاعده را به عنوان یکی از اصول مسلم و مورد اجماع فقها قلمداد کرده‌اند؛ به طوری که بجنوردی ضمن تأکید بر اجماع فقهای امامیه، قاعده الزعیم غارم را کلیدی در نظام تعهدات فقهی می‌داند که ضمانت اجرای تعهدات را تضمین می‌کند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸). در نگاه ایشان، این قاعده به مثابه ستون فقرات نظام حقوقی تعهدات است که از طریق آن عدالت و وفای به عهد در جامعه حفظ می‌شود.

۲-۲. مستندات قرآنی

یکی از اصلی ترین مستندات قاعده الزعیم غارم، آیه شریفه ۷۲ سوره یوسف است که می‌فرماید: «قَالُوا نَقِذْ صُوعَ الْمَلِكِ وَلَمْ يَأْتِ بِهٖ جَمْلٌ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ» (یوسف: ۷۲). علامه طباطبائی در تفسیر المیزان تصریح می‌کند که این آیه نشان دهنده تعهد و ضمانت زعیم برای انجام وظیفه‌ای خاص است و این تعهد از جنس ضمانت و التزام است (طباطبائی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲، ص ۱۵۳). محقق داماد نیز در کتاب قواعد فقه، این آیه را به عنوان دلیل قاطع بر الزام ضامن به ایفای تعهد در صورت تخلف متعهد اصلی معرفی کرده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۱).

همچنین آیه ۴۰ سوره قلم «سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ» به صورت استفهامی مطرح شده که مفهومی التزامی و تعهدآور دارد (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۱) بجنوردی در القواعد/الفقهیه این آیه را از مستندات التزام کفیل می‌داند که بر اساس آن ضامن باید پاسخ‌گوی تعهد خود باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۹).

۲-۳. مستندات روایی

روایات متعددی از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین ﷺ قاعده الزعیم غارم را تأیید می‌کنند. از مهم‌ترین این روایات، حدیثی است که می‌فرماید: «العاریه مؤداه، والمنحه مردوده، والدين مقضى، والزعيم غارم» (ابن ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۴۱). این حدیث بیانگر جامعیت و الزام‌آور بودن این قاعده در ضمانت تعهدات است و به وضوح مسئولیت زعیم را مورد تأکید قرار می‌دهد.

فقه‌های بزرگ امامیه مانند سبزواری و نجفی این حدیث را یکی از مهم‌ترین دلایل قاعده الزعیم غارم می‌شناسند و به تحلیل جامع آن پرداخته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۳۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳). از نظر سند و متن نیز این حدیث از اعتبار بالایی برخوردار است و در متون فقهی به عنوان دلیل قطعی پذیرفته شده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ق).

روایت امام کاظم ﷺ که می‌فرمایند: «لیس علی الضامن غرم؛ الغرم علی من أكل المال»، این روایت در برخی شرایط خاص تبیین می‌شود که منافاتی با اصل قاعده ندارد و بر تمایز میان ضمان مأذون و تبرعی دلالت دارد (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۳۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۳).

۲-۴. روایات مخالف

در مقابل، روایاتی همچون روایت امام کاظم ﷺ به حسین بن خالد که فرموده‌اند: «لیس علی الضامن غرم؛ الغرم علی من أكل المال» (میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۸)، باعث ایجاد بحث و اختلاف شده است. اما فقه‌های امامیه مانند صاحب جواهر این روایت را در چارچوب ضمان بدون اذن یا ضمان تبرعی تفسیر کرده‌اند و معتقدند که اصل قاعده الزعیم غارم پابرجاست و این روایت منافاتی با آن ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۳۳).

امام خمینی ﷺ نیز در تحریر الوسیله به تفصیل درباره این اختلاف نظر بحث کرده و تفاوت میان ضمان مأذون و ضمان تبرعی را بیان نموده است (خمینی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۳). این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که قاعده الزعیم غارم از نظر فقهی بسیار مستحکم است و اختلافات صرفاً در جزئیات اجرایی و حقوقی آن مطرح می‌شود.

۲-۵. اجماع فقه‌ها و نظر عقلا

اجماع فقه‌های امامیه بر لزوم التزام زعیم به ایفای تعهد، یکی از دلایل قاطع اعتبار قاعده الزعیم غارم است. بجنوردی معتقد است که تمامی فقه‌های امامیه بر این اصل اتفاق نظر دارند و این قاعده از اصول مسلم فقهی است.

(بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۹). علاوه بر آن، از منظر عقل، التزام ضامن به تعهد ناشی از ضرورت حفظ عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق دیگران است که در مکاتب فلسفه حقوق نیز تأیید شده است.

۲-۶. جایگاه قاعده در فقه تعهدات معاصر

با توجه به پیچیدگی‌های روابط حقوقی در عصر حاضر، قاعده الزعیم غارم به‌عنوان چارچوبی نظری و عملی می‌تواند نقش مهمی در تبیین تعهدات سازمانی، قراردادهای بانکی، بیمه‌های مسئولیت و سایر تعهدات نهادی داشته باشد. این قاعده، با تأکید بر الزام ضامن، تضمین‌کننده وفای به عهد و ایجاد امنیت حقوقی است که در حقوق تعهدات نوین اهمیت فراوان دارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

خلاصه اینکه پژوهش حاضر در تحلیل قاعده «الزعییم غارم» با رویکردی نوآورانه، نه صرفاً به بازگویی مبانی فقهی، بلکه به تبیین نقش این قاعده در تفسیر و تضمین تعهدات سازمانی و نهادی می‌پردازد. این رویکرد با بهره‌گیری از ادبیات تخصصی اصول فقه، فقه تعهدات و حقوق تطبیقی، ضمن حفظ اصالت فقه امامیه، کاربردهای گسترده و تازه‌ای از قاعده را در زمینه تعهدات پیچیده و متنوع عصر معاصر ارائه می‌کند. همچنین این پژوهش در تحلیل مصادیق عملی مانند ضمانت‌نامه‌های بانکی، بیمه مسئولیت و قراردادهای سازمانی، جزئیات و ابعاد حقوقی - فقهی قاعده را به‌طور کامل و دقیق بیان می‌نماید تا ابهامی در کارکرد و حدود آن باقی نماند.

قاعده «الزعییم غارم» یکی از قواعد مسلم اصول فقه امامیه است که بر مبنای نصوص قرآنی، احادیث معتبر و اجماع فقهای امامیه شکل گرفته است. به موجب این قاعده، هر شخصی که به‌عنوان «زعییم» تعهدی را بر عهده گیرد، در صورت عدم ایفای تعهد توسط «غارم» (متعهد اصلی)، موظف به انجام تعهد است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰).

فقهای امامیه این قاعده را نه فقط در موارد ضمانت مالی، بلکه در ضمانت‌های شخصی و تعهدات کفالت نیز معتبر می‌دانند و بر التزام عملی زعییم تأکید می‌کنند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۸). این تعهدات می‌تواند شامل انواع متعددی از تعهدات باشد که در قالب عقد، تبرع یا ضمان قهری قرار می‌گیرند. از این رو قاعده الزعیم غارم یکی از ارکان کلیدی در نظم حقوقی و تأمین عدالت اجتماعی شناخته می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

۳. تحلیل مصادیق کاربردی قاعده الزعیم غارم در تعهدات سازمانی

۳-۱. ضمانت‌نامه‌های بانکی

ضمانت‌نامه بانکی قراردادی است که طی آن بانک به‌عنوان ضامن (زعییم) متعهد می‌شود در صورت عدم ایفای تعهد توسط مشتری (غارم)، مبلغ مشخصی را به ذی‌نفع پرداخت کند (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۸). این قرارداد از مصادیق بارز قاعده الزعیم غارم است که در آن ضامن به‌صورت مستقل مسئول انجام تعهد شده و ذی‌نفع حق دارد

بدون مراجعه به مشتری اصلی، مستقیماً وجه را مطالبه کند (امامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۶). ضمانت‌نامه‌های بانکی به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ اقتصادی و قراردادهای پیمانکاری نقش اساسی ایفا می‌کنند و باعث ایجاد اطمینان و تضمین اجرای تعهدات می‌شوند.

در این نوع ضمانت‌نامه‌ها، مسئولیت بانک مطلق و غیر قابل انکار است و مطابق قاعده الزعیم غارم، ضامن موظف به پرداخت دین می‌باشد. این تعهد مستقل بانک، با نصوص فقهی چون آیات قرآن و روایات معتبر تأیید شده و فقهای امامیه این قاعده را مبنای مشروعیت و الزام بانک به ایفای تعهد می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹). علاوه بر این، حق رجوع بانک به مشتری اصلی تنها تحت شرایط معین و با رضایت ذی‌نفع امکان‌پذیر است که در قانون مدنی ایران نیز تصریح شده است.

این ضمانت‌نامه‌ها نقش مهمی در افزایش اعتماد تجاری و تسهیل امور مالی دارند و به‌کارگیری قاعده الزعیم غارم در تحلیل حقوقی آنها باعث تقویت امنیت حقوقی طرفین می‌شود. همچنین با تکیه بر این قاعده، بانک‌ها موظف به رعایت دقیق شرایط ضمانت و پاسخ‌گویی به تعهدات خود هستند که این امر باعث تعادل در روابط مالی و تجاری می‌گردد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۸).

۳-۲. ضمانت حسن انجام کار در قراردادهای پیمانکاری

در قراردادهای پیمانکاری، ضمانت حسن انجام کار از ضروریات است و به‌عنوان تضمینی برای رعایت مفاد قرارداد توسط پیمانکار ارائه می‌شود. در این شرایط، بانک یا شرکت بیمه به‌عنوان ضامن (زعیم) متعهد می‌شود در صورت عدم انجام تعهد پیمانکار (غارم)، خسارات وارده را به ذی‌نفع بپردازد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۱). این تعهد مستقل ضامن، طبق قاعده الزعیم غارم، ضمانت اجرای تعهدات قراردادی را تضمین می‌کند.

شرکت‌های بیمه و بانک‌ها در قالب ضمانت‌نامه‌های حسن انجام کار، نقش زعیم را ایفا می‌کنند و مسئولیت اجرای تعهدات پیمانکار را بر عهده می‌گیرند. این قاعده به‌طور مشخص، مسئولیت مستقلاً برای ضامن ایجاد می‌کند که باعث افزایش امنیت حقوقی کارفرما و تضمین اجرایی شدن تعهدات می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳). این مهم در پروژه‌های بزرگ عمرانی و اقتصادی که حجم قراردادها و تعهدات بسیار بالاست، اهمیت حیاتی دارد.

از نظر فقهی، این نوع ضمانت‌نامه‌ها یکی از مصادیق بارز کاربرد قاعده الزعیم غارم است که در آن تعهد ضامن در برابر ذی‌نفع مستقل و الزام‌آور است. استفاده از این قاعده در تنظیم قراردادهای پیمانکاری، موجب شفافیت تعهدات و افزایش رضایت طرفین شده و از دعاوی احتمالی در آینده پیشگیری می‌کند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۳۴۸).

۳-۳. بیمه مسئولیت مدنی

بیمه مسئولیت مدنی قراردادی است که در آن شرکت بیمه به‌عنوان ضامن (زعیم) متعهد می‌شود خسارات ناشی از فعل بیمه‌گذار (غارم) را جبران کند. این نوع بیمه، مصداق بارز قاعده الزعیم غارم است؛ زیرا شرکت بیمه بدون نیاز

به مطالبه از بیمه‌گذار موظف به پرداخت خسارت به زیان دیده است (امامی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۶). این تعهد مستقل و الزام‌آور، از لحاظ فقهی مستند به قواعد ضمان و کفالت است و نقش بسزایی در نظام حقوقی ایران ایفا می‌کند. با توجه به پیچیدگی‌های تعهدات بیمه‌ای و مسئولیت‌های ناشی از آنها، قاعده الزعیم غارم چارچوبی فقهی و حقوقی برای تضمین حق زیان‌دیدگان فراهم می‌آورد. شرکت بیمه به‌عنوان زعیم، تعهدی دارد که اجرای آن برای حفظ عدالت و حقوق طرفین قرارداد ضروری است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹). این موضوع سبب شده است که بیمه مسئولیت مدنی به‌عنوان یکی از مصادیق مهم تعهدات سازمانی و نهادی در حقوق ایران شناخته شود. از نظر عملی، بیمه مسئولیت مدنی به کاهش مخاطرات ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند و ضمانتی فقهی برای حمایت از حقوق آسیب‌دیدگان فراهم می‌آورد. در این چارچوب، مسئولیت شرکت بیمه در پرداخت خسارات ناشی از فعل بیمه‌گذار به موجب قاعده الزعیم غارم، از مباحث مهم فقهی و حقوقی به‌شمار می‌آید (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۹۸).

۳-۴. تعهدات دولتی و تضمین اجرای قراردادهای عمومی

دولت‌ها و نهادهای عمومی به‌عنوان زعیم در اجرای پروژه‌ها و ارائه خدمات عمومی، مسئول تعهدات گسترده‌ای هستند که تضمین اجرای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قاعده الزعیم غارم این مسئولیت را به‌طور قطعی برای دستگاه‌های دولتی تعیین می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در صورت قصور یا عدم اجرای تعهدات، دولت یا نهاد مربوطه موظف به جبران خسارت یا جلب رضایت ذی‌نفع می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۶۲). در قراردادهای مشارکت دولتی - خصوصی و پروژه‌های عمرانی، ضمانت اجرای تعهدات از طریق همین قاعده تبیین می‌شود و مسئولیت نهادهای دولتی به‌عنوان ضامن شناخته می‌شود. این مسئله موجب افزایش اعتماد عمومی و تضمین عدالت اجتماعی می‌گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۱). همچنین این قاعده مانع از سلب مسئولیت نهادهای عمومی در مقابل زیان‌دیدگان می‌شود.

فقه‌های امامیه با تأکید بر اهمیت مسئولیت دولت در قراردادهای عمومی، قاعده الزعیم غارم را به‌عنوان مبنایی شرعی و حقوقی برای الزام دستگاه‌های دولتی به رعایت تعهدات و جبران خسارات می‌دانند. این امر در نظام حقوقی ایران به‌عنوان ابزار قانونی مهم برای کنترل و تضمین کیفیت خدمات عمومی مورد توجه قرار گرفته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۵).

۳-۵. تعهدات اشخاص حقوقی و شرکت‌های تجاری

شرکت‌ها و نهادهای حقوقی که به‌صورت مستقل از شرکا و مدیران خود شخصیت حقوقی دارند، از مصادیق مهم قاعده الزعیم غارم در تعهدات سازمانی هستند. شرکت‌ها به‌عنوان زعیم متعهد به انجام تعهدات قراردادی و قانونی

خود می‌باشند و مسئولیت ایفای این تعهدات بر عهده آنهاست (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۰۲). این مسئولیت از منظر فقهی مستند به قاعده الزعیم غارم است که ضامن را ملزم به پرداخت و انجام تعهد می‌داند.

در تعهدات مالی و قراردادهای تجاری، قاعده الزعیم غارم مبنایی برای تضمین حقوق ذی‌نفعان است. شرکت‌ها موظف به اجرای تعهدات خود بوده و در صورت تخلف، ذی‌نفع می‌تواند مطابق این قاعده، تعهدات را مطالبه کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۶۰). این موضوع در حقوق تطبیقی نیز مورد پذیرش است و بر همسویی فقه امامیه با نظام‌های حقوقی معاصر دلالت دارد.

فقه‌های امامیه با استناد به نصوص و اصول فقهی، قاعده الزعیم غارم را چارچوب نظری محکمی برای تبیین مسئولیت و تعهدات اشخاص حقوقی می‌دانند و آن را ابزار مؤثری برای حفظ نظم حقوقی و اقتصادی در جامعه معرفی کرده‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۳).

۴. تحلیل تطبیقی قاعده الزعیم

۴-۱. فقه امامیه

فقه امامیه، به‌ویژه در مباحث ضمان و تعهد، قاعده الزعیم غارم را یکی از قواعد اصولی و بنیادی می‌داند. بر اساس این قاعده، ضامن یا زعیم مسئولیت مستقلی در برابر دین یا تعهد متعهد اصلی دارد و باید بدون هیچ قید و شرطی تعهد را انجام دهد. این مسئولیت شامل تعهدات مالی و نفسانی می‌شود و از سوی بسیاری از فقها با استناد به قرآن و احادیث معتبر تأیید شده است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰). از دیدگاه فقه امامیه، این مسئولیت نه‌تنها تضمین‌کننده وفای به عهد است، بلکه در حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از تضییع حقوق بسیار مؤثر است.

از جمله ویژگی‌های مهم فقه امامیه در این زمینه، عدم الزام مسئولیت تضامنی میان ضامن و متعهد اصلی است، مگر اینکه شرط شده باشد. به عبارتی، ضامن به‌طور مستقل مسئول است، اما حق رجوع وی به متعهد اصلی منوط به رضایت یا شرایط خاص است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸). این رویکرد باعث می‌شود تا مسئولیت‌ها به‌صورت شفاف و منصفانه بین طرفین تقسیم شود و از سوءاستفاده جلوگیری گردد.

فقه امامیه همچنین ضمن ارائه تقسیم‌بندی دقیق ضمانت‌های عقدی، قهری و تبرعی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۳)، قواعدی برای احکام ضمانت‌نامه‌ها و کفالت ارائه کرده است که قابلیت تطبیق با تعهدات مدرن را دارد. این رویکرد پویایی فقه امامیه را در مواجهه با مسائل جدید حقوقی و اجتماعی نشان می‌دهد و زمینه‌ساز توسعه فقه تعهدات در چارچوب قواعد الزعیم غارم است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

۴-۲. فقه عامه (اهل سنت)

فقه عامه نیز به مسئله ضمان و کفالت توجه زیادی داشته و قاعده‌ای مشابه قاعده الزعیم غارم را مطرح کرده است. در این فقه، ضمان عمدتاً به معنای «ضم ذمه به ذمه» است؛ به این معنا که دین بر ذمه متعهد اصلی باقی می‌ماند،

اما ضامن نیز مسئول پرداخت آن می‌شود (خرائطی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۲۰). این دیدگاه تفاوت مهمی با فقه امامیه دارد که در آن مسئولیت انتقال ذمه است. همچنین فقه عامه مسئولیت تضامنی میان ضامن و متعهد اصلی را به‌طور کلی پذیرفته است و طلبکار می‌تواند از هریک مطالبه کامل داشته باشد.

فقه عامه در پذیرش رضایت مضمون‌عنه برای مسئولیت ضامن سخت‌گیری کمتری دارد و شرایط رجوع ضامن به متعهد اصلی را ساده‌تر می‌داند. این تفاوت‌ها موجب شده است که ضمان در فقه عامه بیشتر به سمت ضمانت‌های تضامنی سوق پیدا کند (خرائطی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۲۵). باین‌حال، هر دو مکتب بر اهمیت حفظ عدالت و وفای به عهد تأکید مشترک دارند.

فقه عامه همچنین قواعدی برای تعهدات و ضمانت‌های قراردادی ارائه کرده که در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشورهای عربی اثرگذار است. این فقه پویایی خاص خود را در مواجهه با تحولات حقوقی دارد، اما نسبت به فقه امامیه از نظر ساختاری و فلسفی تفاوت‌هایی بنیادین در رویکرد به مسئولیت و ضمانت دارد (خلال، ۱۴۳۰ق، ص ۸۰).

۴-۳. نظام حقوقی فرانسه

نظام حقوقی فرانسه مبتنی بر حقوق مدنی، قاعده‌ای تحت عنوان «cautionnement» دارد که ضامن را موظف به ایفای تعهد متعهد اصلی می‌داند. در این نظام، مسئولیت ضامن به‌صورت تضامنی است و قانون مدنی فرانسه (ماده ۲۲۹۹) تصریح می‌کند که طلبکار می‌تواند از هریک از ضامن یا مدیون اصلی کل تعهد را مطالبه کند. این مسئله از نظر حقوقی بسیار گسترده‌تر و الزام‌آورتر از فقه امامیه است (Code Civil, 2016, p. 2299).

از نظر حقوق فرانسه، انتقال ذمه ضامن به‌صورت تضامنی با متعهد اصلی است و مسئولیت وی همراه با حقوقی برای طلبکار در مطالبه کل دین است. ضامن می‌تواند پس از پرداخت دین، حق رجوع به مدیون اصلی را داشته باشد. این رویکرد به دلیل استحکام مسئولیت و جلوگیری از تضییع حقوق طلبکاران، در حقوق مدنی فرانسه بسیار مورد توجه است (Larnaudie, 2016).

همچنین حقوق فرانسه قواعد ویژه‌ای برای ضمانت‌نامه‌ها و قراردادهای پیمانکاری وضع کرده که در آنها تعهد ضامن از نظر حقوقی به‌طور کامل و گسترده تعریف شده است. این نظام با توجه به ساختار مدرن حقوقی، توانسته است ضمانت‌ها را به‌صورت مؤثر و کارآمد تنظیم کند و در عرصه اقتصادی نقش مهمی ایفا نماید.

۴-۴. نظام حقوقی کامن‌لا

در نظام حقوق کامن‌لا، نهادهای Suretyship و Guarantee وجود دارند که هر دو به تعهد شخص ثالث برای انجام تعهدات مدیون اصلی اشاره دارند، اما تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود دارد. Suretyship بیشتر مسئولیت

تضامنی و متکی به تعهد مدیون اصلی است؛ به گونه‌ای که طلبکار ابتدا باید از مدیون اصلی مطالبه کند و در صورت عدم پرداخت، به ضامن مراجعه نماید (Gilbert, 2017).

نظام کامن‌لا به دلیل ماهیت قضایی و قضایی خود، مقررات ضمانت را با پیچیدگی‌ها و شرایط خاصی همراه ساخته و مسئولیت ضامن با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که در فقه امامیه کمتر دیده می‌شود. این سیستم همچنین امکان دارد مسئولیت ضامن را کمتر مستقل و بیشتر وابسته به تعهد مدیون اصلی تعریف کند.

از سوی دیگر، Guarantee در نظام کامن‌لا ممکن است مسئولیتی مستقل‌تر ایجاد کند، اما ساختار آن نیز متفاوت است و مقررات مشخص و پیچیده‌ای بر آن حاکم است. این نظام با رویکرد متفاوت خود، روش‌های متعددی برای تضمین تعهدات ارائه می‌دهد که در برخی موارد می‌تواند مکمل یا متمایز از قواعد فقهی باشد.

۴-۵. جدول مقایسه‌ای تطبیقی

	مؤلفه	حقوق کامن‌لا	حقوق فرانسه	فقه عامه	فقه امامیه
۱	ماهیت مسئولیت	مسئولیت تضامنی و غیرمستقل	مسئولیت تضامنی	ضم ذمه، مسئولیت تضامنی	انتقال ذمه، مسئولیت مستقل
۲	الزام به ایفای تعهد	ابتدا مطالبه از مدیون اصلی	الزام کامل و تضامنی	معمولاً بدون شرط	بدون شرط
۳	حق رجوع ضامن	شرایط پیچیده و محدود	حق رجوع پس از پرداخت	کمتر مشروط	مشروط به رضایت یا شرط
۴	گسترده‌گی کاربرد	عقدی و قراردادی	عقدی و قراردادی	بیشتر عقدی	شامل عقدی، قهری، تبرعی
۵	نقش در تضمین تعهدات	بستگی به نوع ضمانت دارد	بسیار گسترده و قانونمند	مهم ولی متفاوت	کلیدی و اصولی

۵. چالش‌ها و راهکارهای فقهی - حقوقی در کاربرد قاعده الزعیم غارم در تعهدات سازمانی

یکی از چالش‌های عمده در کاربرد قاعده الزعیم غارم، ابهام در تعریف حدود مسئولیت ضامن است که در برخی تعهدات سازمانی، باعث اختلاف نظر و تفسیرهای متفاوت شده است. این مسئله به‌ویژه در مورد تعهدات تبرعی و ضمان قهری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه فقهای امامیه در این موارد شرایط و حدود مسئولیت ضامن را متفاوت تفسیر کرده‌اند و این اختلاف‌ها در عمل موجب سردرگمی و کاهش ضمانت اجرای تعهدات می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۳۳).

علاوه بر آن، در برخی قراردادهای پیچیده سازمانی، تعیین دقیق زمان شروع مسئولیت ضامن و چگونگی مطالبه تعهد هنوز به روشنی در قواعد فقهی و قوانین موضوعه مشخص نشده است. این امر باعث می‌شود ذی‌نفعان در هنگام بروز تخلف، با مشکلات حقوقی و اجرایی مواجه شوند و اجرای عدالت دچار اختلال گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۸۰).

از سوی دیگر، تناقض احتمالی میان قواعد فقهی و مقررات قانونی نیز به‌عنوان یک مشکل مهم مطرح است. برای مثال، در قانون مدنی ایران، مقرراتی درباره ضمانت‌نامه‌ها و تعهدات قراردادی وجود دارد که گاه با اصول

قاعده الزعیم غارم اختلاف دارد و این موضوع نیازمند هماهنگی و اصلاحات قانونی است تا قاعده بتواند نقش مؤثری در نظام حقوقی معاصر ایفا کند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۹۸).

برای رفع این مشکلات، پیشنهاد می‌شود که مراجع تقلید و مجامع حقوقی فقهی با همکاری قانون‌گذاران، چارچوب‌های روشنی برای تعیین حدود مسئولیت ضامن تدوین کنند. تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات تفصیلی در این زمینه، همراه با تبیین دقیق مفاهیم ضمانت‌نامه، کفالت و تعهدات سازمانی، می‌تواند به رفع ابهامات کمک کند و اجرای قاعده را تسهیل نماید (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۵۹).

در نهایت، توسعه پژوهش‌های تطبیقی و کاربردی در حوزه فقه تعهدات و حقوق تطبیقی به‌عنوان راهکاری اساسی مطرح است. این پژوهش‌ها باید به نحوی طراحی شوند که مبانی فقهی قاعده الزعیم غارم را با مقتضیات حقوق مدرن هماهنگ کنند و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز، راهکارهای عملی و قابل اجرا ارائه نمایند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳).

نتیجه‌گیری

قاعده «الزعیم غارم» به‌عنوان یکی از قواعد اصولی و بنیادین فقه امامیه، نقش حیاتی در تضمین اجرای تعهدات و حفظ حقوق ذی‌نفعان در نظام تعهدات شرعی و حقوقی ایفا می‌کند. تحلیل فقهی و تطبیقی قاعده نشان داد که این قاعده با پشتوانه مستندات قرآنی و روایی و اجماع فقه‌های امامیه، از ارکان اصلی ضمانت اجرایی تعهدات است که می‌تواند در تعهدات سازمانی و نهادی معاصر نیز به‌کار گرفته شود. به‌ویژه کاربردهای آن در ضمانت‌نامه‌های بانکی، قراردادهای پیمانکاری، بیمه مسئولیت، تعهدات دولتی و اشخاص حقوقی به روشنی نشان‌دهنده توانمندی قاعده در پاسخ‌گویی به نیازهای نوین حقوقی است.

با این وجود، چالش‌هایی همچون ابهام در حدود مسئولیت ضامن، تفاوت‌های میان ضمان عقدی و قهری، و ناسازگاری احتمالی قواعد فقهی با مقررات قانونی موجود، مانع بهره‌برداری کامل از این قاعده در نظام حقوقی کشور شده است، لذا ضرورت دارد که مراجع فقهی و قانون‌گذاران با همکاری یکدیگر، چارچوب‌های دقیق و روشن برای به‌کارگیری عملی قاعده تدوین نمایند و قوانین موجود را با مبانی فقهی منطبق کنند تا این قاعده به‌صورت کاربردی و اثربخش در فضای حقوقی ایران تثبیت شود.

پیشنهاد می‌شود در مرحله نخست، مقررات تفصیلی در زمینه حق رجوع ضامن و شرایط آن به تصویب برسد تا از بروز اختلافات و سوءتفاهم‌ها جلوگیری شود؛ همچنین دسته‌بندی دقیق ضمانت‌های عقدی، قهری و تبرعی در قوانین موضوعه با توجه به اصول فقهی صورت گیرد. این امر می‌تواند به تسهیل اجرای تعهدات سازمانی و افزایش امنیت حقوقی در قراردادهای بانکی، بیمه‌ای و پیمانکاری منجر شود.

در مرحله بعد، آموزش گسترده حقوق‌دانان، قضات و مدیران حقوقی در زمینه قواعد فقهی تعهدات و کاربردهای عملی قاعده الزعیم غارم اهمیت دارد. انتشار متون تحلیلی و کاربردی همراه با برگزاری دوره‌های تخصصی، موجب ارتقای آگاهی و تسلط بر این قواعد خواهد شد.

در نهایت، تأکید بر توسعه پژوهش‌های تطبیقی و کاربردی، به‌ویژه بررسی تجارب موفق نظام‌های حقوقی مدرن در زمینه ضمانت‌ها و تطبیق آن با فقه امامیه، به‌عنوان راهبردی موثر برای تقویت جایگاه قاعده الزعیم غارم در نظام حقوقی ایران ضروری است. این مسیر، ضمن حفظ اصالت فقهی، زمینه‌ساز تحقق عدالت و امنیت در روابط حقوقی معاصر خواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی‌جمهور احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). *عوالم اللثالی*. قم: دار سیدالشهداء للنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- امامی، محمد (بی‌تا). *حقوق تعهدات*. تهران: ناشر.
- بخنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.
- حلی، مقداد بن عبدالله (بی‌تا). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. مصحح: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. قم: پاساژ قدس.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام*. بیروت: دار الفكر المعاصر، خرائطی، محمد بن جعفر (۱۴۳۴ق). *مکارم الأخلاق*. قاهره: دار الآفاق العربیه.
- خلال، ابوبکر (۱۴۳۰ق). *السنه*. ریاض: دار الراهیه.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۳ق). *تحریر الوسيله*. قم: دار احیاء التراث.
- سبزواری، سیدعبدالأعلى (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحكام*. قم: مؤسسه المنار.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق). *العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۶ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل، جواد بن سعد (بی‌تا). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاظمی (فاضل جواد)، جواد بن سعد اسدی (۱۳۶۵). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام*. تهران: مرتضوی.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۱۶ق). *کتاب الضمان*. قم: مکتبه امیر المؤمنین.
- میرزای قمی، ابو القاسم (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات*. تهران: مؤسسه کیهان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Code Civil Français (French Civil Code) (2016). *Code Civil*. Paris: Editions Dalloz.

Gilbert, Robert (2017). *Principles of Suretyship in Common Law Jurisdictions*. London: Routledge .

Larnaudie, Jean (2016). *The Law of Suretyship and Guarantees*. Paris: Editions Dalloz .

Sabahi, Mahmoud (2011). Contractual Guarantees in Islamic Law: Comparative Analysis. *Journal of Islamic Law Studies*, 18(2), 45-70 .